

سیاده التاموس

¹ أَمْ تَجْهَلُونَ، أَيُّهَا الْإِخْوَةُ، لَأَنِّي أَكَلَمُ الْعَارِفِينَ بِالتَّامُوسِ، أَنَّ التَّامُوسَ يَسُودُ عَلَى الْإِنْسَانِ مَا دَامَ حَيًّا؟ ² فَإِنَّ الْمَرْأَةَ الَّتِي تَحْتَ رَجُلٍ هِيَ مُرْتَبِطَةٌ بِالتَّامُوسِ بِالرَّجُلِ الْحَيِّ، وَلَكِنْ إِنْ مَاتَ الرَّجُلُ فَقَدْ تَحَرَّرَتْ مِنَ تَامُوسِ الرَّجُلِ. ³ فَإِذَا، مَا دَامَ الرَّجُلُ حَيًّا تُدْعَى زَانِيَةً إِنْ صَارَتْ لِرَجُلٍ آخَرَ، وَلَكِنْ إِنْ مَاتَ الرَّجُلُ فَهِيَ حُرَّةٌ مِنَ التَّامُوسِ حَتَّى إِنَّهَا لَيَسْتَ زَانِيَةً إِنْ صَارَتْ لِرَجُلٍ آخَرَ. ⁴ إِذَا، يَا إِخْوَتِي، أَنْتُمْ أَيْضًا قَدْ مِثُّمُ لِلتَّامُوسِ بِجَسَدِ الْمَسِيحِ لِكَيْ تَصِيرُوا لآخَرَ، لِذِي قَدْ أَقِيمَ مِنَ الْأَمْوَاتِ، لِنُتِمَّرَ إِلَيْهِ. ⁵ لِأَنَّهُ لَمَّا كُنَّا فِي الْجَسَدِ كَانَتْ أَهْوَاءُ الْخَطَايَا الَّتِي بِالتَّامُوسِ تَعْمَلُ فِي أَعْضَائِنَا لِكَيْ نُمِيتَ لِمَوْتٍ، ⁶ وَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ تَحَرَّرْنَا مِنَ التَّامُوسِ، إِذْ مَاتَ الَّذِي كُنَّا مُمَسَكِينَ فِيهِ، حَتَّى تَعْبُدَ بِحَدَّةِ الرُّوحِ لَا بِعَيْنِ الْحَرْفِ.

⁷ فَمَاذَا تَقُولُ؟ هَلِ التَّامُوسُ خَطِيئَةٌ؟ حَاشَا، بَلْ لَمْ أَعْرِفِ الْخَطِيئَةَ إِلَّا بِالتَّامُوسِ، فَإِنِّي لَمْ أَعْرِفِ الشَّهْوَةَ لَوْ لَمْ يَقُلِ التَّامُوسُ: "لَا تَسْبِهِ". ⁸ وَلَكِنَّ الْخَطِيئَةَ، وَهِيَ مُنْجَذَةٌ فُرْصَةً بِالْوَصِيَّةِ، أَنْشَأَتْ فِي كُلِّ شَهْوَةٍ، لِأَن يَذُونَ التَّامُوسِ الْخَطِيئَةَ مَبْتَهً. ⁹ أَمَّا أَنَا فَكُنْتُ يَذُونِ التَّامُوسِ عَائِشًا قَبْلًا، وَلَكِنْ لَمَّا جَاءَتِ الْوَصِيَّةُ عَاشَتْ الْخَطِيئَةُ، قَمْتُ أَنَا، ¹⁰ فَوُجِدَتِ الْوَصِيَّةُ الَّتِي لِلْحَيَاةِ هِيَ تَفْسُهَا لِي لِمَوْتٍ. ¹¹ لِأَنَّ الْخَطِيئَةَ، وَهِيَ مُنْجَذَةٌ فُرْصَةً بِالْوَصِيَّةِ، خَدَعَتْنِي بِهَا وَقَتَلَتْنِي. ¹² إِذَا التَّامُوسُ مُقَدَّسٌ وَالْوَصِيَّةُ مُقَدَّسَةٌ وَعَادِلَةٌ وَصَالِحَةٌ. ¹³ فَهَلْ صَارَ لِي الصَّالِحُ مَوْتًا؟ حَاشَا، بَلِ الْخَطِيئَةُ، لِكَيْ تَطْهَرَ خَطِيئَةُ مُنْشِئَتِ لِي بِالصَّالِحِ مَوْتًا، لِكَيْ تَصِيرَ الْخَطِيئَةُ خَاطِئَةً جِدًّا بِالْوَصِيَّةِ.

¹⁴ فَإِنِّي نَعْلَمُ أَنَّ التَّامُوسَ رُوحِيٌّ وَأَمَّا أَنَا فَجَسَدِيٌّ مَبِيعٌ تَحْتَ الْخَطِيئَةِ. ¹⁵ لَأَنِّي لَسْتُ أَعْرِفُ مَا أَنَا أَفَعَلُهُ إِذْ لَسْتُ أَفَعَلُ مَا أُرِيدُهُ بَلْ مَا أَبْغِضُهُ فَإِيَّاهُ أَفَعَلُ. ¹⁶ فَإِنْ كُنْتُ أَفَعَلُ مَا لَسْتُ أُرِيدُهُ فَإِنِّي أَصَادِقُ التَّامُوسَ أَنَّهُ حَسَنٌ. ¹⁷ فَإِلَّا لَسْتُ بَعْدُ أَفَعَلُ ذَلِكَ أَنَا بَلِ الْخَطِيئَةُ السَّاكِنَةُ فِيَّ. ¹⁸ فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ سَاكِنٌ فِيَّ، أَيْ فِي جَسَدِي، شَيْءٌ صَالِحٌ، لِأَنَّ الْإِرَادَةَ حَاضِرَةً عِنْدِي وَأَمَّا أَنْ أَفَعَلَ الْخُسْئِي فَلَسْتُ أَجِدُ. ¹⁹ لَأَنِّي لَسْتُ أَفَعَلُ الصَّالِحَ الَّذِي أُرِيدُهُ بَلِ السَّرُّ الَّذِي لَسْتُ أُرِيدُهُ فَإِيَّاهُ أَفَعَلُ. ²⁰ فَإِنْ كُنْتُ مَا لَسْتُ أُرِيدُهُ إِيَّاهُ أَفَعَلُ، فَلَسْتُ بَعْدُ أَفَعَلُهُ أَنَا بَلِ الْخَطِيئَةُ السَّاكِنَةُ فِيَّ. ²¹ إِذَا أَجِدُ التَّامُوسَ

حكم شريعت

¹ ای برادران، آیا نمی‌دانید زیرا که با عارفین شریعت سخن می‌گویم، که مادامی که انسان زنده است، شریعت بر وی حکمرانی دارد؟ زیرا زن منکوحه بر حسب شریعت به شوهر زنده بسته است، اما هرگاه شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد شود. ³ پس مادامی که شوهرش حیات دارد، اگر به مرد دیگر پیوندد، زانیه خوانده می‌شود. لکن هرگاه شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد است که اگر به شوهری دیگر داده شود، زانیه نباشد. ⁴ بنابراین، ای برادران من، شما نیز بوساطت جسد مسیح برای شریعت مرده شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مردگان برخاست، تا بجهت خدا ثمر آوریم. ⁵ زیرا وقتی که در جسم بودیم، هوسهای گناهانی که از شریعت بود، در اعضای ما عمل می‌کرد تا بجهت موت ثمر آوریم. ⁶ اما الحال چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مُردیم، از شریعت آزاد شدیم، به حدی که در تازگی روح بندگی می‌کنیم نه در کهنگی حرف.

شریعت و گناه

⁷ پس چه گوییم؟ آیا شریعت گناه است؟ حاشا! بلکه گناه را جز به شریعت ندانستیم. زیرا که شهوت را نمی‌دانستیم، اگر شریعت نمی‌گفت که: طمع موز. ⁸ لکن گناه از حکم فرصت جسته، هر قسم طمع را در من پدید آورد، زیرا بدون شریعت گناه مرده است. ⁹ و من از قبل بدون شریعت زنده می‌بودم؛ لکن چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم. ¹⁰ و آن حکمی که برای حیات بود، همان مرا باعث موت گردید. ¹¹ زیرا گناه از حکم فرصت یافته، مرا فریب داد و به آن مرا گشت. ¹² خلاصه شریعت مقدس است و حکم مقدس و عادل و نیکو. ¹³ پس آیا نیکویی برای من موت گردید؟ حاشا! بلکه گناه، تا گناه بودنش ظاهر شود، به وسیله نیکویی برای من باعث مرگ شد تا آنکه گناه به سبب حکم بغایت خبیث شود.

¹⁴ زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است، لکن من جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم، ¹⁵ که آنچه می‌کنم نمی‌دانم زیرا آنچه می‌خواهم نمی‌کنم بلکه کاری را که از آن نفرت دارم بجا می‌آورم. ¹⁶ پس هرگاه کاری را که نمی‌خواهم بجا می‌آورم، شریعت را تصدیق می‌کنم که نیکوست. ¹⁷ و الحال من دیگر فاعل

لِي، جَيْمًا أُرِيدُ أَنْ أَفْعَلَ الْخُسَى، أَنَّ الشَّرَّ حَاضِرٌ عِنْدِي.²² فَإِنِّي أَسْرُّ بِتَامُوسِ اللَّهِ يَحْسَبُ الْإِنْسَانَ الْبَاطِنَ، وَلَكِنِّي أَرَى تَامُوسًا آخَرَ فِي أَعْضَائِي يُحَارِبُ تَامُوسَ ذَهْنِي وَتَسْبِيئِي إِلَى تَامُوسِ الْخَطِيئَةِ الْكَائِنِ فِي أَعْضَائِي.²⁴ وَيَجِيءُ أَنَا، الْإِنْسَانُ الشَّقِيءُ، مَنْ يُقْدِّئِي مِنْ جَسَدٍ هَذَا الْمَوْتِ؟²⁵ أَشْكُرُ اللَّهَ يَسُوعَ الْمَسِيحَ رَبَّنَا. إِذَا أَنَا تَفْسِي يَذْهَبِي أَخَذِمُ تَامُوسَ اللَّهَ وَلَكِنْ بِالْجَسَدِ تَامُوسَ الْخَطِيئَةِ.

آن نیستم بلکه آن گناهی که در من ساکن است.¹⁸ زیرا می‌دانم که در من، یعنی در جسد من هیچ نیکویی ساکن نیست، زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکو کردن نی. ¹⁹ زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم.²⁰ پس چون آنچه را نمی‌خواهم می‌کنم، من دیگر فاعل آن نیستم بلکه گناه که در من ساکن است.²¹ لهذا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است.²² زیرا برحسب انسانیت باطنی به شریعت خدا خشنودم.²³ لکن شریعتی دیگر در اعضای خود می‌بینم که با شریعت ذهن من منازعه می‌کند و مرا اسیر می‌سازد به آن شریعت گناه که در اعضای من است.²⁴ وای بر من که مرد شقیای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟²⁵ خدا را شکر می‌کنم بوساطت خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را.